

A Comparative Study of Protection of Privately Owned Historic Buildings in the England and Iran Legal System; From Permission to Objection

Foroogh Heydari Shooli

Ph.D. Student in Public Law at Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran

(Foroogh2007@yahoo.com)

Mohammad Jalali*

Assistant Professor of Public Law, Shahid Beheshti University Tehran, Iran

(Received: 2020/12/20, Accepted: 2021/03/15)

Abstract

In the UK, the immovable cultural heritage is divided into 5 categories: listed buildings, scheduled monuments, registered battlefields, registered parks & gardens, protected wreck sites. Iranian regulatory system despite the identification of the system of cataloging and division of cultural heritage into movable and immovable heritage, has not initiated cataloging immovable heritage. System of immovable heritage classification, not only specialized English heritage protection but also this act caused the establishment of numerous governmental and non-governmental public institutions and NGOs in the subject of cultural heritage protection. Moreover in the UK, the Historical England Institution which is a non-governmental public institution, publishes documents entitled "Protection Principles, Policies and Guidelines" that these principles have a high place in administrative procedures and must be observed by all Regulatory and decision-making institutions in the field of protection of the historical environment and also all relevant and interested individuals in the field of cultural heritage.

Protective statutes of historical buildings restrict the ownership of owners of these buildings. This article studies the legal system of protection of immovable cultural heritages in light of licensing in a comparative study of England, as a model, and Iran. It should be noted that English system of protection, which is constantly modified, has many guiding principles and documents, beside its effective administrative system. These principles have a higher position rather than positive statutes.

This article tries to answer to this question: 1. what are the main effects of process of licensing on ownership right of owners? To answer this question, these questions should be answered: what is the importance process of licensing? Which authority is responsible for it? Which principles guilds it? How it can be protested and according to which principles? This article tries to answer to these questions in a comparative study of England, as a model, and Iran in a descriptive-analytical way.

* Corresponding Author: Email: m_jalali@sbu.ac.ir, fax: +982122431756

Legal system of protection of cultural heritages in England, by distinguishing between different kinds of immovable cultural heritages, regarded historical buildings as an example of immovable cultural heritages and has established a specific system to protect them.

Empowerment of local authorities to decide on permissions, from one side, and recognition of protest to these decisions through reconsideration of case by central government in framework of administrative proceedings, from other side, are main characteristics of English model of protection of cultural heritages. But, In Iran, lack of detailed categorizing of cultural heritages has led to Non-specialized system of protection. Actually, Iranian laws have used the phrases of “monuments, buildings, places and immovable properties”, which are too general.

Some of advantages of English system of protection are “Decentralization” of licensing process, well ordered process of protest, specialized and valid reconsideration of decisions, and the importance of assessment of interests and principle of proportionality in balancing of interests of owners and cultural heritages. These characteristics have made this system of protection more efficient and defensible rather than Iranian one.

Keywords

Protection, Historical Buildings, Right of Ownership, Cultural Heritage, Permissions.

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۲، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحات ۶۱ تا ۸۲ (علمی - پژوهشی)

مطالعه تطبیقی حفاظت از بناهای تاریخی دارای مالک خصوصی در نظام حقوقی انگلیس و ایران؛ از مجوزدهی تا اعتراض

فروغ حیدری شولی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و

علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

(Email: foroogh2007@yahoo.com)

محمد جلالی*

استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵)

چکیده

حفاظت از میراث فرهنگی از سوی دولت می‌تواند به محدودیت‌های قابل‌توجهی در آزادی مالکان خصوصی میراث فرهنگی منجر شود. ممنوعیت از برخی تصرفات در بنای تاریخی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی و یا الزام به اخذ مجوز برای مداخله در بناهای یادشده با اعمال ضوابطی برای حفظ ابنیه، از مهم‌ترین محدودیت‌های وارد بر حقوق مالکان خصوصی این نوع از بناها است. به عبارتی، مالکان چنین بناهایی نمی‌توانند مانند صاحبان املاک غیرتاریخی به استناد حقوق مالکانه خود تصمیم‌گیری کنند. در این راستا تمایل مالکان خصوصی بناهای تاریخی به تغییر و دگرگونی در اموال تحت تصرف خود از یک سو و ضرورت حفظ میراث فرهنگی به مثابه خیر جمعی و منفعت عمومی از سوی دیگر، نظام مجوزدهی تغییرات را به وجهی مهم از حفاظت از میراث فرهنگی در میان تمامی کشورهای جهان بدل نموده است. در حالی که مرجع صدور مجوزهای تغییر در بناهای تاریخی در انگلستان مقامات محلی هستند، در ایران نظام مجوزدهی در ساختار متمرکز اداری صورت می‌گیرد. در هر دو کشور، در صورت اعتراض مالکان بناها به تصمیمات مراجع یادشده، مسیرهایی برای رسیدگی به اعتراض پیش‌بینی شده است. این اعتراض در انگلیس از رهگذر آیین رسیدگی مجدد و در چارچوب نظارت اداری امکان‌پذیر است، حال آنکه در ایران دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی قضایی به چنین اعتراضی را دارد. پرسش اصلی مقاله این است که نظام مجوزدهی در حفاظت از بناهای تاریخی از چه جایگاهی برخوردار است و چگونه و با چه ضوابطی حقوق مالکان این نوع از بناها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ نگارندگان این نوشتار درصددند با روشی توصیفی-تحلیلی و از رهگذر مطالعه تطبیقی میان انگلیس به‌عنوان کشور الگو و ایران به این پرسش‌ها پاسخ دهند.

واژگان کلیدی

اصول حفاظت، بناهای تاریخی، حقوق مالکانه، مجوزدهی، میراث فرهنگی.

مقدمه

گفتمان حق بر حفاظت از میراث فرهنگی به عنوان یکی از مصادیق حقوق فرهنگی بر اصل عمومی بودن میراث فرهنگی استوار است. این اصل مهم‌ترین اصل در خصوص حق بر میراث فرهنگی است. در پرتو این اصل است که دسترسی به میراث فرهنگی و برخورداری از آن از یک سو و مشارکت همه مردم در پاسداری از آن جهت انتقال به نسل‌های بعدی برجسته می‌شود. این اصل متضمن این مفهوم است که محیط‌های تاریخی- فرهنگی واکنشی است که نسل‌های گذشته نسبت به دنیای اطراف خود نشان داده‌اند و مهارت‌ها و آمال آن‌ها را ترسیم می‌نمایند. به همین دلیل اندوخته‌ای برای نسل‌های بعدی به‌شمار می‌آید. از این رو، مردم به محیط‌های تاریخی- فرهنگی به‌عنوان بخشی از هویت و طبیعت خود توجه دارند و به آن ارزش می‌دهند (Ziegler, 2007: 1). بنابراین میراث فرهنگی ذخیره‌ای اقتصادی و اجتماعی برای عموم مردم است و هر نسلی باید به‌گونه‌ای از آن بهره‌بردار که نسل‌های دیگر نیز بتوانند از آن میراث استفاده کنند. به سخن دیگر، میراث فرهنگی صرف‌نظر از نوع مالکیت آن (اعم از عمومی یا خصوصی)، امری است که به منفعت عمومی مرتبط است. از همین رو، این دولت‌ها هستند که در وهله نخست به‌عنوان نماینده تضمین‌کننده خیر جمعی مکلف به پاسداری از این میراث برای بهره‌مندی عموم مردم از میراث فرهنگی می‌باشند. طبق «عهدنامه راجع به حفظ میراث فرهنگی و طبیعی جهانی»، هریک از دولت‌های عضو کنوانسیون باید اموالی را که میراث فرهنگی محسوب می‌شود و در قلمرو آنها قرار دارد تعیین نمایند و همچنین دولت‌های عضو می‌پذیرند که تعهد تشخیص، حمایت، حفاظت و شناساندن میراث فرهنگی واقع در قلمرو خود و انتقال آن به نسل‌های آینده در وهله اول وظیفه دولت‌ها است (صمدی، ۱۳۸۲: ۲۵۵). بناهای باارزش تاریخی به‌عنوان میراث فرهنگی غیرمنقول، سرمایه‌های فرهنگی جامعه هستند که حفاظت از آن‌ها حفاظت از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، زیباشناختی و معنوی است و به‌عنوان کالای عمومی به‌شمار می‌روند که استفاده شخصی از آنها مانع بهره‌مندی سایر افراد جامعه از ارزش‌های نهفته نمی‌شود؛ به این دلیل دارای منفعت اجتماعی بوده، نیازمند توجه نهادهای عمومی و دولتی هستند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). هدف نهایی حفاظت از میراث فرهنگی حفظ و بازسازی اهمیت تاریخی و فرهنگی یک مکان است. از این رو، سیاست حفاظت باید با ارزیابی اهمیت یک بنا و با حداقل مداخله در آن همراه باشد (Matero, 1993: 134).

شناسایی یک بنای تاریخی به‌عنوان میراث فرهنگی و سپس ثبت و فهرست‌بندی آن از سوی دولت‌ها در راستای حفاظت از آن، محدودیت‌هایی را بر حقوق مالکان خصوصی این

۱. برای آگاهی بیشتر، نک:

Blake, Janet, Cultural Heritage Law and Policy, Oxford University Press, Oxford, 2015, p. 275.

میراث وارد می‌آورد. موضوع این پژوهش بررسی حقوقی حفاظت از بناهای تاریخی در پرتو نظام مجوزدهی جهت هرگونه دگرگونی در این دسته از اموال غیرمنقول از رهگذر مطالعه تطبیقی میان نظام حقوقی انگلستان به‌عنوان کشور الگو و پیش‌تاز در حفاظت از میراث فرهنگی و نظام حقوقی ایران است. شایان ذکر است که نظام حقوقی حفاظت از میراث فرهنگی انگلیس ضمن برخورداری از قوانینی که مدام نیز اصلاح می‌شوند، سرشار از اسناد متعدد راهنما و اصول حفاظت و سیاست‌گذاری‌های ملی از یک سو و رویه‌های اداری کارآمد از سوی دیگر است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت اهمیت این اسناد و رویه‌های اداری مبتنی بر اصول حفاظت در این کشور از جایگاه به‌مراتب بالاتری از قوانین برخوردار است.

پس از طرح مختصر بحث، پرسش اصلی مقاله این است که آثار مترتب بر نظام مجوزدهی به مالکان خصوصی بناهای تاریخی برای هرگونه تغییر در بنای تحت تصرفشان چیست؟ در این راستا چند پرسش فرعی مطرح می‌شود: نخست آنکه ضرورت اخذ مجوزهای دولتی از سوی مالکان خصوصی بناهای تاریخی از چه جایگاهی برخوردار بوده و چه آثاری بر آن مترتب است؟ ساختار مجوزدهی تابع چه اصولی است و صادره از چه مراجعی است؟ به‌چالش کشیدن تصمیمات مقامات اداری در حوزه نظام صدور مجوزها از طرف مالکان خصوصی این دسته از بناهای تاریخی از چه طریق و با چه معیارهایی امکان‌پذیر است؟ نگارندگان این نوشتار درصددند با روش توصیفی-تحلیلی و از رهگذر مطالعه تطبیقی میان کشور انگلیس به‌عنوان کشور الگو و ایران به این پرسش‌ها پاسخ دهند.

۱. نظام فهرست‌بندی بناهای تاریخی

تدوین فهرست میراث ملی انگلستان (The National Heritage List for England) اولین گام دولت در حمایت از میراث فرهنگی غیرمنقول است. فهرست میراث ملی انگلیس مشهور به «فهرست» در سال ۱۸۸۲، هنگام تصویب اولین قانون حمایت از میراث فرهنگی، ایجاد شد. در سال ۲۰۰۵ نهاد انگلستان تاریخی (Historic England) (میراث انگلیسی (English Heritage) سابق) مسئولیت ثبت و فهرست کردن آثار تاریخی را از وزارت دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش به‌عهده گرفت. از آن زمان، ورود آثار جدید به فهرست یادشده و تجدیدنظر در آثار ثبت‌شده برای انواع دارایی‌های تاریخی و فرهنگی، رویکرد استانداردهای بالاتری به خود گرفته است؛^۱ آنچه در این خصوص قابل توجه است نقشی است که دولت مرکزی انگلیس به یک نهاد غیردولتی برای ثبت میراث انگلیسی واگذار کرده است. بنابراین یک نهاد عمومی غیردولتی از سوی دولت مرکزی به عمل ثبت مبادرت می‌ورزد. همچنین این نهاد بسیاری از اسناد راهنما را

1. <https://historicengland.org.uk/listing/the-list/about-the-list>.

در خصوص حفاظت از بناهای تاریخی صادر می‌نماید که مبنای تصمیم‌گیری‌های مداوم مقامات محلی هستند (Chen, Ludwig & Sykes, 2020).

از سویی، فهرست آثار ملی انگلیس طیف گسترده‌ای از انواع میراث فرهنگی را به رسمیت شناخته است.^۱ در این کشور میراث فرهنگی غیرمنقول جهت ثبت در فهرست آثار ملی انگلیس (The National Heritage List for England) به پنج دسته تقسیم می‌شوند: بناهای فهرست‌شده (Listed Building)، آثار باستانی (Scheduled Monuments)، میدان‌های جنگ ثبت‌شده (Registered Battlefields)، پارک‌ها و باغ‌های ثبت‌شده (Registered Parks & Gardens)، و محوطه‌های حفاظت‌شده بقایای کشتی‌ها (Protected Wreck Sites).

نظام حقوقی ایران با تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ برای نخستین بار «آثار ملی» را مورد شناسایی قرار داد. مطابق ماده نخست این قانون: «کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره سلسله زنده در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیرمنقول با رعایت ماده ۳ این قانون را می‌توان جزء آثار ملی ایران محسوب داشت و تحت حفاظت و نظارت دولت می‌باشد».^۲ همچنین ماده واحده قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲ به صراحت بیان می‌کند: «اموال غیرمنقولی^۳ را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت است صرف‌نظر از تاریخ ایجاد یا پیدایش آن می‌توان در عداد آثار ملی به ثبت رساند». علاوه بر آن، دستورالعمل وزارت میراث فرهنگی مبنی بر «تعیین آثار واجد ارزش تاریخی و فرهنگی» مصوب ۴ آذر ۱۳۹۸ به معرفی برخی از مصادیق آثار غیرمنقول واجد ارزش تاریخی فرهنگی برای ثبت در فهرست ذی‌ربط آثار ملی پرداخته است. طبق این دستورالعمل اثر واجد ارزش فرهنگی و تاریخی، اثری است که از ارزش‌های محلی و منطقه‌ای به لحاظ فرهنگی یا تاریخی برخوردار باشد. این آثار می‌تواند شامل تک بنا، محدوده یا مجموعه چند بنا، گذر، معبر، خیابان، بافت کالبدی، مکان رخداد و یا یک منظر طبیعی و فرهنگی باشد. ثبت و فهرست‌بندی آثار دارای شرایط ثبت از مهم‌ترین وظایف وزارت میراث فرهنگی در راستای حفاظت از میراث فرهنگی به‌عنوان حق و خیر عمومی است.^۴

با مقایسه دو نظام انگلیس و ایران در حوزه نظام فهرست‌بندی میراث فرهنگی می‌توان گفت، نظام مقررگذاری ایران علی‌رغم شناسایی نظام فهرست‌بندی و تقسیم میراث فرهنگی به میراث منقول و غیرمنقول، به دسته‌بندی آثار غیرمنقول اقدام نکرده است. درحالی که الگوی

1. <https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/>

۲. ماده ۱ قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۹.

۳. طبق ماده ۱۲ قانون مدنی ایران: «مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقض خود مال یا محل آن شود».

۴. بند ۶ ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی مصوب ۱۳۶۷.

انگلیسی فهرست‌بندی میراث غیرمنقول با دسته‌بندی آن میراث به اقسام گوناگون یادشده، نه تنها حفاظت از میراث انگلیسی را تخصصی کرده، بلکه این امر نهادهای متعدد دولتی و غیردولتی عمومی و به‌خصوص مردم‌نهاد را نیز در موضوع حفاظت از میراث فرهنگی دخیل نموده که این امر حفاظت تخصصی، مؤثر و کارآمد را در انگلیس به‌دنبال داشته است.

۲. ضوابط و ویژگی‌های ثبت و فهرست‌شدن بناهای تاریخی

طبق ماده ۱ قانون برنامه‌ریزی (ابنیه فهرست‌شده و مناطق حفاظت‌شده تاریخی) سال ۱۹۹۰ انگلیس، بنای تاریخی نه‌تنها بر سازه اصلی ساختمان صدق می‌نماید، بلکه بر هر جنبه‌ای از یک سازه که نمای خارجی آن به منافع معماری یا تاریخی آن سازه غنا ببخشد و یا هر سازه‌ای که ساخته دست بشر بوده، بر روی ساختمان ثابت شده باشد یا بخشی از زمین را تشکیل دهد یا در حاشیه ساختمان باشد نیز صادق است.^۱

در انگلیس بناهایی می‌توانند ثبت و فهرست شوند که یا دارای ارزش تاریخی بوده یا از معماری ویژه‌ای برخوردار باشند. هرچه بنا قدیمی‌تر باشد و نمونه‌های آن کمتر، ارزش ثبتی بیشتری پیدا می‌کند. به‌عنوان قاعده‌ای کلی، آثاری که قدمتشان به پیش از ۱۷۰۰ میلادی می‌رسد قابلیت ثبت شدن دارند. بیشتر آثار ایجادشده بین ۱۷۰۰ تا ۱۸۵۰ میلادی نیز دارای همین ویژگی هستند. گزینش بناهایی که پس از ۱۹۴۵ میلادی هستند باید با احتیاط صورت گیرد و آثاری که کمتر از ۳۰ سال عمر دارند، اغلب ثبت نمی‌شوند تا با گذشت زمان میزان اهمیت آنها برای ثبت و فهرست مشخص شود.^۲

برای ثبت یک بنا، اغلب دو شیوه وجود دارد: یک راه این است که هرکس می‌تواند بنایی را برای ثبت شدن به نهادهای مسئول پیشنهاد دهد. روش دیگر اینکه مقامات و نهادهایی که وظیفه قانونی آنها شناسایی و ثبت میراث فرهنگی واجد ثبت است، فرایند شناسایی، ثبت و فهرست‌بندی را پیگیری نموده، به انجام می‌رسانند. در هر صورت، تصمیم‌گیری نهایی و مسئولیت اصلی در این خصوص برعهده بخش دیجیتال فرهنگ، ورزش و رسانه است. این نهاد تصمیمات خود را بر حسب «اصول گزینش بناهای فهرست‌شده» (Principles of Selection for Listed Buildings) انجام می‌دهد. شایان ذکر است که در انگلیس بناهای تاریخی فهرست‌شده به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- بناهای درجه یک. بناهایی که استثنایی و منحصربه‌فرد هستند و تنها ۲/۵ درصد از بناها این ویژگی را دارند.

1. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1990/9/section/1>

2. <https://historicengland.org.uk/listing/the-list/about-the-list>

- بناهای درجه دو ستاره‌دار. بناهایی که مهم هستند و ارزش خاصی دارند. اینها ۵/۸ درصد بناها را شامل می‌شوند.
- بناهای درجه دو. بناهایی که دارای ارزشی خاص هستند. ۹۱/۷ درصد آثار در این دسته قرار می‌گیرند.^۱

در ایران از آنجا که فهرست آثار ملی، میراث غیرمنقول ثبت شده را به انواع مختلف تقسیم نکرده است، لذا نمی‌توان یک تعریف قانونی مختص بناهای تاریخی ارائه داد. با وجود این، در یک تعریف موسع می‌توان گفت بنا یا ساختمان تاریخی، سازه‌ای است غیرمنقول که یا تا پایان دوره زندگی در ایران احداث شده و یا متعلق به دوران پس از زندگی بوده، اما دارای ارزش فرهنگی و یا شأن ملی است.

۳. نظام مجوزدهی تغییرات در بناهای تاریخی

دگرگونی و تغییر در مکان‌های تاریخی امری اجتناب‌ناپذیر است که می‌تواند ناشی از فعل طبیعت یا استفاده مالکان آن بناها باشد. ذکر این نکته ضروری است که این دگرگونی‌ها از طریق الزامی بودن أخذ مجوزهای دولتی کنترل می‌شوند و در این راستا تغییر در بنا باید با نظارت مقامات صالح باشد (Spridon & Sandu, 2009: 43-52) در واقع، دگرگونی و تغییر باید به گونه‌ای مدیریت شود که بنا یا چشم‌انداز تاریخی بتواند ارزش‌های خود را حفظ کند. این امر یکی از الزامات توسعه پایدار نیز به‌شمار می‌آید.^۲

در این راستا ضرورت دریافت رضایت‌نامه‌ها و مجوزها جنبه مهمی از نظام محافظت از میراث فرهنگی انگلیس و ایران است که به دستیابی به رویکرد آگاهانه برای مدیریت تغییر در مکان‌های تاریخی کمک می‌کند. در نظام حقوقی انگلستان به‌طور کلی دریافت «رضایت‌نامه ساختمان فهرست‌شده» (Listed Building Consent) برای تمام اقدامات مربوط به تخریب، تغییر یا گسترش در ساختمان‌هایی که بر ذات آن به‌عنوان یک ساختمان از نظر معماری یا تاریخی خاص تأثیر می‌گذارد، مورد نیاز است. در مواردی که اقدامات بر نمای خارجی ساختمان تأثیر می‌گذارد، ممکن است «مجوز برنامه‌ریزی» (Planning Permission) نیز لازم باشد و در این صورت متقاضی تغییر باید هر دو مجوز برنامه‌ریزی و رضایت‌نامه ساختمان فهرست‌شده را از سوی مرجع صالح درخواست نماید. عدم رعایت مقررات و نظامات حوزه مجوزها و هرگونه اقدام خودسرانه مالکان خصوصی بناهای تاریخی فهرست‌شده که موجب آسیب به جلوه‌های تاریخی، فرهنگی معماری و ارزش ملی اثر شود در هر دو کشور انگلیس و ایران از ضمانت اجرا برخوردار

1. <https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/listed-buildings>.

2. Managing Cultural World Heritage, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Paris, 2013, p. 19.

است. در انگلستان در صورتی که مالک بدون أخذ مجوز از نهادهای صالح به هرگونه تغییر در بنای فهرست شده مبادرت نماید، مرتکب جرم کیفری شده است و ادعای عدم اطلاع از قراردادشتن یک بنا در فهرست، دفاع قابل قبولی در برابر هیچ‌گونه دادرسی کیفری به‌شمار نمی‌رود. شایان ذکر است در صورتی که اقدام‌کننده نتواند دفاع قابل قبولی ارائه دهد، مجرم شناخته می‌شود و بسته به اینکه جرم او ساده یا مبتنی بر کیفرخواست باشد به شش ماه تا دو سال حبس و جریمه نقدی و یا هر دو محکوم خواهد شد. ادعای تغییر در بنا بدون مجوز به‌منظور حفظ سلامتی و ایمنی بنا در وضعیت اضطراری در صورت اثبات می‌تواند دفاع قابل قبولی در محاکم تلقی شود.^۱ در نظام حقوقی ایران نیز هرگونه دگرگونی و تغییر در اثر تاریخی فهرست شده از سوی مالک خصوصی، نیازمند دریافت مجوزهای مربوطه از نهادهای ذی‌صلاح است. هرگونه اقدامی در بنا بدون أخذ مجوز، جرم‌انگاری شده، و طبق ماده ۵۶۴ قانون تعزیرات، مرمت، تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی، بدون اجازه وزارت میراث فرهنگی جرم بوده، مبادرت به آن موجب محکومیت اقدام‌کننده به حبس از شش ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده می‌شود. همچنین هرگونه انهدام یا تخریب و نوسازی بنای فهرست شده ممنوع و جرم است و صرفاً در صورتی که مالک بنای تاریخی که به تخریب مبادرت نموده از ثبت ملکش در فهرست آثار ملی اظهار بی‌اطلاعی نماید و وزارت میراث فرهنگی نتواند ابلاغ ثبت اثر به مالک را در دادگاه ثابت نماید، بی‌اطلاعی مالک مفروض است و وی از اتهام تخریب بناهای تاریخی مبرا می‌گردد.^۲

شایان ذکر است که ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده در دو نظام حقوقی انگلیس و ایران، به‌نظر کافی نبوده و حبس‌های کوتاه‌مدت و یا حتی محکومیت مجرم به پرداخت وجوه نقدی با مبالغ سنگین نیز زیان وارده به ارزش معنوی این‌گونه بناها را جبران نمی‌کند. لذا تقویت اقدامات پیشگیرانه از جرم در خصوص جرایم حوزه میراث فرهنگی از یک سو و تشدید مجازات‌ها در مورد بناهای ثبت شده در فهرست میراث جهانی موضوع عهدنامه ۱۹۷۲ در حفاظت از بناهای تاریخی ضروری است.

۴. مراجع و ضوابط مجوزدهی

نظام حفاظت از میراث فرهنگی انگلیس مبتنی بر نظام عدم تمرکز اداری است؛ از همین رو، دولت محلی به‌عنوان یکی از ساختارهای اداری این کشور که منصوب مردم محل بوده، وظایف عمومی گسترده‌ای را در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی به‌عهده دارد (هداوند، ۱۳۹۶: ۲۶۶).

1. S9 Planning (Listed Buildings and Conservation Areas) Act 1990.

۲. ماده ۵۶۹ قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

این مراجع و مقامات به‌عنوان مراجعی با صلاحیت عمومی وظیفه حفاظت هرچه بیشتر از بناهای تاریخی منطقه خود را به‌عهده دارند، به‌طوری که می‌توان گفت مقامات برنامه‌ریز محلی (Local Planning Authority) بیشترین مسئولیت را در خصوص حفظ اماکن تاریخی دارند. در انگلیس این مقامات برنامه‌ریز محلی هستند که برای صدور مجوزهای برنامه‌ریزی و رضایت‌نامه‌های ساختمانی فهرست‌شده مرجع صالح شمرده می‌شوند و گردانندگان اصلی و اولیه نظام مجوزدهی می‌باشند.

علاوه بر مقامات برنامه‌ریز محلی، نهاد خاص دیگری نیز تحت عنوان «فراخوانی پرونده از سوی وزیر جهت رسیدگی» (Call-in by the Secretary of State) در نظام مجوزدهی وجود دارد. در این فرایند، وزیر (مسکن، جوامع شهری و دولت محلی) می‌تواند از شهروندان بخواهد که درخواست مجوز برنامه‌ریزی و رضایت‌نامه بنای فهرست‌شده را به وی تسلیم کنند تا شخصاً به درخواست مربوط رسیدگی کند.^۱

هرکسی می‌تواند از وزارت جوامع و دولت محلی بخواهد که فراخوانی یک درخواست را مورد بررسی قرار دهد؛ البته چنین چیزی نسبتاً نادر است. دولت در آخرین بیانیه سیاست خود در مورد فراخوان‌ها را این‌گونه اعلام کرد: «وزیر مسئول، از این پس به‌طور کلی، استفاده از اختیارات فراخوان خود را فقط در صورتی که پرونده‌های برنامه‌ریزی بااهمیتی بیش از سطح محلی مطرح باشد، مورد بررسی قرار خواهد داد. چنین پرونده‌هایی شامل مواردی می‌شود که مصادیق طرح‌شده در آن‌ها از نظر وی با سیاست‌های ملی در مورد موضوعات مهم مغایرت داشته باشد».^۲ از ویژگی‌های برجسته نظام حفاظت از میراث فرهنگی انگلیسی حاکم بودن اصول حفاظت بر تصمیمات مراجع صدور مجوزها است؛^۳ این اصول عبارت‌اند از:

۴.۱. معقول، شفاف و متناسب بودن

تصمیم‌گیری درباره تغییر در بناهای فرهنگی و تاریخی از سوی مقامات ذی‌ربط نیازمند به‌کارگیری تجربه و مهارت در فرایندی شفاف و متناسب است که از طریق سیاست‌گذاری عمومی نیز هدایت می‌شود. ابعاد و دامنه ارزیابی مسئله و مشارکت عمومی و درک مسئله باید به‌قدری

1. s77 Town and Country Planning Act 1990 (Opens in a New Window) (For Planning Permission) and s12 Planning (Listed Buildings and Conservation Areas) Act 1990.

2. The Parliamentary Under-Secretary for Communities and Local Government (Nick Boles), House of Commons, 26th October 2012.

۳. در نظام حقوقی حفاظت از میراث فرهنگی انگلستان، نهاد «انگلیس تاریخی» که یک نهاد عمومی غیردولتی است، اسنادی را با عنوان «اصول حفاظت، سیاست‌ها و اسناد راهنما» منتشر می‌نماید که این اصول باید مورد توجه تمام نهادهای مقررگذار در حوزه میراث تاریخی از یک سو و مقامات صالح هنگام بررسی درخواست‌های مربوط به تغییر در بنا و صدور مجوزها از سوی دیگر قرار گیرد.

باشد که تصمیم گرفته شده را توجیه کند. در نظارت قانونی نسبت به تصمیمات حوزه تغییرات در بناها باید اصل تناسب رعایت شود. تعارض‌های ممکن بین حفظ این آثار و سایر منافع عمومی باید از طریق یافتن ابزاری که آسیب رساندن به این اهداف را به حداقل برساند تا حد امکان کم شود. اگر تعارض اجتناب‌ناپذیر است، ارزشی که به میراث فرهنگی در تصمیم‌گیری داده شده است باید با اهمیت مکان و تأثیر دگرگونی بر این اهمیت در تناسب باشد.^۱ برای نمونه، در خصوص مرمت و تغییر در کلیساهای تاریخی فهرست‌شده، نهاد تصمیم‌گیرنده هنگام بررسی درخواست تغییرات باید به دقت مطلوبیت حفظ ابنیه کلیسایی فهرست‌شده، اهمیت حفاظت از ویژگی‌های خاص تاریخی، باستان‌شناسی، معماری یا منافع هنری و هرگونه تأثیرات احتمالی ناشی از اقدامات زبان‌بار به محیط کلیسا را در نظر بگیرد (Doe, 2014: 168).

۲.۴. حفاظت هرچه بیشتر از بنای تاریخی^۲

مطابق این اصل، هرآنچه که در فهم اهمیت محیط مؤثر باشد باید در حفاظت از محیط تاریخی و فرهنگی ملاحظه شود؛ بنابراین، نهادها و مراجع قانونی حامی میراث فرهنگی هنگامی که با درخواست مالکان بناهای تاریخی مبنی بر تغییر (اعم از مرمت، تغییر کاربری، تخریب و هر نوع تغییر در بنا که جنبه تاریخی یا معماری اثر فهرست‌شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد) مواجه می‌شوند، باید هنگام تصمیم‌گیری در مورد هر نوع تغییری در بنای تاریخی نسبت به پاسخ این سؤالات مطمئن باشند که آیا درخواست متقاضی برای تغییر، عناصر تاریخی یا معماری خاص اثر را پس از تغییر همچنان حفظ می‌نماید؟ چگونه ارزش یک بافت تاریخی یا منطقه حفاظت‌شده نسبت به دگرگونی‌های یک بنا تحت تأثیر منفی یا مثبت قرار می‌گیرد؟ چه محدودیت‌هایی برای پاسداری از اثر باید اعمال گردد؟ و در نهایت، هر تغییری تنها در حالتی مجاز است که فهم مردم را از میراث گذشتگان بهبود بخشد یا ارزش‌های مکان را تقویت کند یا برای حفظ ارزش‌های این مکان برای نسل‌های حاضر یا آینده ضروری باشد و ضررهای احتمالی آن کمتر از منافعش باشد. موافقت مقامات صالح با درخواست‌های مالکان خصوصی بناهای تاریخی مبنی بر تغییر در بنا، زمانی تصمیم معقول و متناسبی تلقی می‌شود که مقام رسیدگی‌کننده در أخذ آن تصمیم به پاسخ مناسبی برای پرسش‌های مطرح‌شده رسیده باشد.

1 Historic England, Conservation Principles, Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment, England Heritage, *op. cit.*, p. 23.

2. *Ibid.*, p. 22.

3. Historic England, Conservation Principles, Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment, England Heritage, *op. cit.*, p. 22.

۳.۴. رایزنی و مشاوره با جوامع محلی

گفتمان حق بر میراث فرهنگی متضمن این مفهوم است که این حق نه تنها به معنای بهره بردن همه نسل‌ها از میراث فرهنگی است، بلکه درصدد است که مردم بتوانند در تحقق بخشیدن به توانایی‌های خود در زمینه حمایت از میراث فرهنگی نیز مشارکت نمایند (Hodder, 2010: 861-882).

رویکرد مشارکت مردمی به‌عنوان یکی از جلوه‌های بارز نظام حفاظت انگلیسی از میراث فرهنگی ایجاب می‌نماید که مقامات برنامه‌ریز محلی در اعطای مجوزهای برنامه‌ریزی و رضایت‌نامه‌های ساختمانی در برخی موارد با نهادهای داوطلبانه و مردم‌نهاد رایزنی و مشاوره کنند. زمینه انگلیسی حمایت از میراث فرهنگی، مبتنی بر مشارکت عمومی فعال به‌خصوص از طریق جنبشی موسوم به جنبش امنیتی (Aminity) یا جوامع ملی امید است. هدف این رویکرد که بر مشارکت مردم در حمایت از میراث فرهنگی از طریق حفظ، احیا و نگهداری تکیه دارد، ارتقای کیفیت زندگی فرهنگی مردم و در حقیقت، تبلور اصل عمومی بودن میراث فرهنگی است (چراغچی، ۱۳۷۷: ۱۳۴).

بر طبق «آیین رسیدگی به دستورالعمل رسیدگی به درخواست‌های میراثی ۲۰۱۵»^۱ نهادهای برنامه‌ریز محلی موظف هستند که برای تصمیم‌گیری در مورد تمامی درخواست‌هایی که مبتنی بر تخریب بخشی یا کلیت یک آثار ثبت‌شده هستند با «جوامع ملی امید» (National Social Amenity) مشورت نمایند. جوامع یادشده در ساختار نهادی کشور انگلیس جزء نهادهای مردمی تلقی شده، هر یک رسالت حمایت از میراث انگلیسی با دوره زمانی خاصی را به‌عهده دارند و عبارت‌اند از مجمع آثار باستانی (The Ancient Monuments Society)، شورای باستان‌شناسی انگلیسی (The Council for British Archaeology)، مجمع پاسداری از بناهای تاریخی (The Society for the Protection of Ancient Buildings)، گروه موسوم به گریگوری (The Georgian Group)، مجمع ویکتوریایی (The Victorian Society) و مجمع قرن بیستم (The Twentieth Century Society). به‌عبارتی، انگلیسی‌ها مدیریت و نگهداری میراث را صرفاً به یک نهاد ملی منتقل نکرده‌اند، بلکه مدل انگلیسی حمایت از میراث فرهنگی، افراد جامعه را از نزدیک درگیر نموده، به جوامع محلی اختیارات گسترده‌ای را در این خصوص اعطا می‌کند (Jurenienė, 2014: 250)؛ به همین دلیل نقش جوامع ملی در نظام صدور مجوزها بسیار برجسته است.

در ایران مرجع صدور مجوز در خصوص هر نوع تغییر در بناهای تاریخی و فرهنگی در قالب نظام تمرکز اداری است. در این راستا صدور مجوز یا پروانه جهت تعمیر، مرمت، تغییر، تجدید بنا یا تزئینات اثر تاریخی از سوی مالک، با وزارت میراث فرهنگی و ادارات تابع آن است. به این منظور، شورای فنی این وزارتخانه پیشنهاد تعمیر را با ضوابط حفاظت از اثر تاریخی تطبیق می‌دهد و

1. Arrangements for Handling Heritage Applications Direction 2015.

در صورتی که اجرای آن را سبب تزلزل بنیان یا تغییر صورت یا انهدام ارزش‌های تاریخی- فرهنگی اثر تشخیص ندهد، به صدور مجوز مبادرت می‌نماید. وزارتخانه یادشده در اجازه صادره جزئیات عملیات اجرایی را درج و بر همه مراحل اجرایی نظارت می‌کند (عباسی، ۱۳۹۹: ۳۰).

البته درخواست شهروندان مبنی بر هر نوع تغییری، نخست باید به شهرداری‌ها به‌عنوان نهادی واسطه در قالب نظام عدم تمرکز اداری تسلیم شود^۱ و سپس مرجع تصمیم‌گیرنده نهایی، وزارت میراث فرهنگی از طریق ادارات تابع استانی خواهد بود. همچنین شهرداری‌ها مکلف‌اند در بهسازی و نوسازی بافت تاریخی- فرهنگی و صدور پروانه ساختمانی ضوابط میراث فرهنگی را رعایت نمایند و وزارت میراث فرهنگی بر این امر نظارت کامل خواهد داشت^۲. بنابراین، درخواست مالکان خصوصی بناهای تاریخی فرهنگی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی مبنی بر موافقت با هر نوع تغییری در بنای تحت تصرف باید نخست به شهرداری‌ها تسلیم شود و سپس شهرداری‌ها موظف‌اند که در خصوص بناهای تاریخی، درخواست‌ها را به ادارات میراث فرهنگی ارسال نمایند. یکی از انتقادات وارد بر این رویه آن است که مالکان برای دریافت مجوز تعمیرات بناهای تاریخی بین وزارت میراث فرهنگی و شهرداری در رفت و برگشت بوده، مدت زیادی را برای دریافت مجوزها صرف می‌کنند که این موضوع حقوق مالکان بناهای تاریخی را با محدودیت بیشتر مواجه می‌سازد.

در خصوص اصول حفاظت، ادبیات حقوق میراث فرهنگی ایران به‌صراحت اصول انگلیسی حفاظت از میراث فرهنگی یادشده را مورد شناسایی قرار نداده است و صرفاً در خصوص اصل مشاوره با نهادهای مردمی، می‌توان جلوه‌های این اصل را در فصل چهارم «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب رئیس قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۸» مشاهده نمود. در این دستورالعمل به نهادهای مردمی با موضوع حمایت از میراث فرهنگی نیز امکان مشارکت در سیاست‌گذاری، پیشگیری از وقوع جرم، نظارت بر اجرای قوانین و مشارکت در فرایند رسیدگی اعطا شده است. علاوه بر آن، طبق ماده ۳۱ این دستورالعمل، مقام قضایی رسیدگی‌کننده می‌تواند رأساً از نهادهای مردمی همکار به‌عنوان مطلع دعوت به‌عمل آورد و قبل از اعلام ختم دادرسی، دیدگاه‌ها و ملاحظات ایشان را به‌صورت مکتوب دریافت نماید. تصویب چنین مصوبه‌هایی هرچند در حال حاضر نوین است و تا اجرایی شدن و به‌ثمر نشستن فاصله دارد، اما نشان از توجه حکمرانان دولت مرکزی به اهمیت مشارکت مردم و نهادهای برخاسته از میان آنان در امر حفاظت از میراث فرهنگی و در نتیجه، حفظ هرچه بیشتر بناهای تاریخی و اتخاذ تصمیمات معقول و شفاف از سوی نهادهای محافظ میراث دارد.

۱. به‌عنوان یک قاعده عام که شامل مالکان بناهای تاریخی نیز می‌شود، طبق ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، مالکان اراضی و املاک واقع در محدوده شهرها یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع به ساختمان، از شهرداری پروانه دریافت نمایند.

۲. بند ۲۳ آیین‌نامه راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۲۱.

۵. آیین اعتراض به تصمیمات مراجع مجوزدهی

به چالش کشیدن تصمیمات مقامات صالح از طریق اعتراض مالکان بناهای فهرست شده زمانی اتفاق می افتد که این تصمیمات خواسته مالکان مبنی بر تغییر و دگرگونی در بنای تاریخی فهرست شده را برآورده نسازد. در این راستا هر دو نظام حقوقی انگلیس و ایران با توجه به اصل تسلیط و احترام به حقوق مالکان خصوصی بناهای تاریخی و فرهنگی ثبت شده، روش های متفاوتی را جهت کنترل تصمیمات نهادهای مجوزدهی و رسیدگی به اعتراض مالکان نسبت به تصمیمات یادشده مورد شناسایی قرار داده اند. در انگلیس همان طور که بیان شد، مرجع اولیه تصمیم گیری در خصوص اعطای مجوز برنامه ریزی و رضایت نامه بنای فهرست شده، مقامات برنامه ریز محلی در قالب نظام عدم تمرکز اداری بودند که با در نظر گرفتن اصول حفاظت در مورد اعطای یا عدم اعطای مجوزهای یادشده تصمیم گیری می کردند. در این راستا در مواردی که مقام یا مرجع طراحی و برنامه ریز محلی، درخواست متقاضی تغییر در بنای فهرست شده مبنی بر صدور مجوز برای طراحی و برنامه ریزی (کارهای تعمیراتی، توسعه، تخریب، تغییر کاربری) را رد کند، یا اعطای آن را منوط به شرایطی نماید که مورد توافق متقاضی نیست و یا پس از گذشت هشت هفته از وصول درخواست مجوز، هیچ گونه تصمیمی از سوی مقامات ذی صلاح درباره آن گرفته نشود و وضعیت شخص متقاضی بلا تکلیف باقی بماند، وی می تواند نزد بازرس (Inspector) طراحی و برنامه ریزی، اعتراض کرده، درخواست رسیدگی مجدد نماید^۱. همچنین درخواست رسیدگی مجدد را می توان علیه تصمیمات حوزه رضایت نامه بناهای فهرست شده نیز در صورت وجود دلایل یادشده مطرح نمود^۲. بنابراین رسیدگی به اعتراض مالکان و متصرفان متقاضی تغییر در بناهای فهرست شده در صلاحیت نهاد بازرسی است. شایان ذکر است که شخص بازرس در فرایند رسیدگی به اعتراض مالکان و رسیدگی در قالب آیین رسیدگی مجدد، منصوب «وزیر مشاور در امور جوامع و دولت محلی» (Secretary of State for Communities and Local Government) است. نکته حائز اهمیت این است که در مواردی که موضوع مورد اعتراض از اهمیت ملی برخوردار باشد، رسیدگی مجدد برعهده وزیر یادشده قرار می گیرد، به نحوی که شخصاً می تواند درباره آن اتخاذ تصمیم نماید. تصمیم گیری راجع به درخواست های رسیدگی مجدد (از سوی بازرس یا وزیر) با در نظر گرفتن اصول حفاظت و با استناد به آن اصول صورت می گیرد. این دو مقام با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات و جوانب مهم پرونده مورد اعتراض، مبادرت به اتخاذ تصمیم می نمایند. شناسایی امکان رسیدگی مجدد از سوی مقامات دولت مرکزی یعنی بازرس منصوب دولت مرکزی یا شخص وزیر (در پرونده های بسیار مهم

1. s78 Town and Country Planning Act 1990.

2. https://unece.org/DAM/env/pp/compliance/C201161/Communication/Planning_ListedBuildings_ConservationAreas_Regs1990.pdf.

ملی) آیینی است که در قالب نظارت اداری مقامات دولت مرکزی بر مقامات برنامه‌ریز محلی صورت می‌گیرد.^۱

در خصوص مهلت اعتراض مالکان به تصمیمات مقامات برنامه‌ریز محلی و درخواست رسیدگی مجدد، درخواست عموماً باید ظرف شش ماه از تاریخ اتخاذ تصمیم یا پس از پایان دوره تصمیم‌گیری از سوی مقام یا مرجع طراحی و برنامه‌ریزی محلی به بازرس تسلیم شود. با این حال، گاهی محدودیت‌های زمانی کوتاه‌ترند، مانند زمانی که درخواست صدور مجوز طراحی و برنامه‌ریزی (کارهای تعمیراتی، توسعه) برای یک ملک مسکونی رد شده باشد که در این مورد محدوده مهلت تسلیم دادخواست رسیدگی مجدد دوازده هفته است.^۲ در ادامه برای درک و تبیین بهتر مطالب یادشده در خصوص نظام مجوزدهی تغییرات در بناهای تاریخی در انگلستان، به شرح و تحلیل دو پرونده منتخب در قالب آیین رسیدگی مجدد نسبت به تصمیمات حوزه مجوزدهی پرداخته خواهد شد.

۱. درخواست رسیدگی مجدد نسبت به رد اعطای رضایت‌نامه بنای فهرست‌شده و مجوز برنامه‌ریزی در خصوص نصب و توسعه صفحات خورشیدی در خانه تاریخی ویلیام (Inspector appointed by the Secretary of State for Communities and Local Government, 2010) آقای استیون مالک خانه تاریخی ویلیام در منطقه هایلافت (Hayloft) بوده و این خانه یک بنای تاریخی فهرست‌شده درجه دو به سبک ویکتوریا واقع در حاشیه منطقه حفاظت‌شده لینکومبس (Lincombes) است که مالک آن در صدد نصب و توسعه صفحات خورشیدی در سقف رو به جنوب خانه بوده است. همان‌طور که در ابتدای این مقاله بیان شد، زمانی که تغییر در بنا بر نمای خارجی ساختمان تاریخی اثر بگذارد این کار به اخذ مجوز برنامه‌ریزی و رضایت‌نامه ساختمان فهرست‌شده نیاز دارد؛ از این جهت، خواهان دو درخواست خود را به شورای توربای به‌عنوان مقامات برنامه‌ریز محلی ارائه کرد، اما درخواست‌های وی در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۰ با اخطار رد مواجه شد. وی در مهلت مقرر قانونی مطابق با بخش ۲۰ قانون برنامه‌ریزی (ساختمان‌های فهرست‌شده و مناطق حفاظت‌شده) مصوب ۱۹۹۰، نسبت به رد درخواست صدور رضایت‌نامه بنای فهرست‌شده، و طبق بند ۷۸ قانون برنامه‌ریزی شهر و کشور مصوب ۱۹۹۰ نسبت به عدم اعطای مجوز برنامه‌ریزی از سوی مقام صالح اعتراض نموده و درخواست رسیدگی مجدد داشته است. پس از درخواست رسیدگی مجدد، بازرس رسیدگی‌کننده ضمن قبول هر دو اعتراض، اعطای مجوز و رضایت‌نامه را منوط به شرایطی کرده و بدین‌سان مقرر نموده است که انجام تغییرات اولاً ظرف سه سال از تاریخ این رأی آغاز شود و ثانیاً قبل از شروع کار (تهیه و

1. ss284 and 288 Town and Country Planning Act 1990, ss62 and 63 Planning (Listed Buildings and Conservation Areas) Act 1990
2. Paragraph 29 Town and Country Planning (Development Management Procedure) (England) Order 2015.

توسعه) نقشه و بخش‌های تفضیلی آن در مقیاس ۱:۲۰ یا کمتر از آن مورد تأیید کتبی مرجع نقشه‌برداری محلی با جزئیات قرار گیرد و سپس تصمیم خود را اعلام نموده که خلاصه متن تصمیم وی به این شرح است: «اهمیت و برجستگی تاریخی خانه ویلیام در مقیاس، طراحی، جزئیات و شکل ظاهری آن است. ارزش تاریخی خانه ویلیام در ساختار اصلی آن است که تعیین می‌کند از نظر فیزیکی تحت تأثیر نصب صفحات خورشیدی قرار نخواهد گرفت.

هرچند که نصب صفحات خورشیدی با ظاهری کاملاً نوین، شباهت کمی با چراغ‌های سقفی سایر نقاط بنا برای مثال در اسطبل‌ها دارد و اضافه کردن عناصر گسترده نوین به یک شیب بام تاریخی، جلوه تاریخی آن را حفظ نمی‌کند و بر چیدمان تاریخی خانه ویلیام، اگرچه به میزان جزئی آسیب وارد می‌کند، اما باید تعادلی بین استفاده از فن‌آوری‌های انرژی تجدیدپذیر و حفظ و ارتقای دارایی‌های میراث برقرار باشد. همچنین خط‌مشی HE.9 از ۵PPS نشان می‌دهد که در مواردی که درخواست‌های مالکان برای دگرگونی در بنا تأثیر زیان‌بار کمتری بر اهمیت یک ساختمان موجود در لیست و یک منطقه حفاظت‌شده داشته باشد، منافع عمومی پیشنهاد باید در برابر این آسیب سنجیده شود. با توجه به اینکه هرچه آن آسیب به ساختمان مربوطه و محیط حفاظت‌شده بیشتر باشد، توجیه قوی‌تری لازم است. در این خصوص متقاضی برای بهبود بهره‌وری انرژی منطقه‌هایلافت از طریق طیف وسیعی از ابزارها تلاش کرده است، از جمله به‌کارگیری عایق اضافی، روشنایی کم‌انرژی، مناطق ترموستاتیک داخلی خانه و یک دیگ بخار متراکم. بدیهی است که مجموعه‌ای جداگانه از پنل‌ها یا استفاده از فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر جایگزین، مانند پمپ حرارتی با منبع زمینی، به دلیل محدود بودن اندازه باغ غیرعملی خواهد بود. بنابراین، درخواست متقاضی نصب صفحات خورشیدی در بام خانه تاریخی از نظر تولید انرژی محیطی (محلی) و کاهش مصرف انرژی از منابع خارج از محدوده محیط (مانند شبکه انرژی الکتریسته) تأثیر مثبتی خواهد داشت و با توجه به آسیب محدود ایجادشده به ساختمان مربوطه و منطقه حفاظت‌شده، مزایای زیست‌محیطی این پیشنهاد (تهیه و توسعه صفحات خورشیدی) توجیه‌کننده ورود آسیب جزئی به بنای مورد اعتراض است و بنابراین تأثیر مثبت زیست‌محیطی ناشی از اقدام متقاضی، درخواست رسیدگی مجدد وی را توجیه می‌کند^۱.

یکی از جنبه‌های اصول حفاظت که در ابتدای مقاله ذیل اصل معقول و متناسب بودن تصمیمات مقامات حوزه تغییر در آثار تاریخی به آن پرداخته شد، این بود که تعارض‌های ممکن بین حفظ آثار و سایر منافع عمومی باید از طریق یافتن ابزاری که آسیب رساندن به این اهداف را به حداقل برساند، تا حد ممکن کاهش یابد. اگر تعارض اجتناب‌ناپذیر است، ارزشی که به میراث فرهنگی در تصمیم‌گیری داده شده است باید با اهمیت مکان و تأثیر دگرگونی بر این

1. <https://historicengland.org.uk/content/docs/legal/appeal-decision-the-hayloft-haldon-road-pdf/>

اهمیت در تناسب باشد. مقام رسیدگی کننده به این اصل اشراف کامل داشته، در نهایت مجوز برنامه ریزی و رضایت ساختمان فهرست شده به متقاضی تهیه و توسعه صفحات خورشیدی بر سقف جنوبی خانه تاریخی ویلیام را اعطا نموده است؛ با این استدلال که اگرچه اقدام متقاضی در نمای ظاهری ساختمان تغییری جزئی ایجاد می نماید، اما عمل او از نظر تولید انرژی محیطی (محلی) و کاهش مصرف انرژی از منابع خارج از محدوده محیط (مانند شبکه انرژی الکتریسیته) تأثیر مثبتی خواهد داشت. وی در تعارض آسیب جزئی در بنای تاریخی با منفعت زیست محیطی، با ارزیابی منفعت ها تقدم را از آن منفعت زیست محیطی دانسته و البته در این راستا محدودیت هایی نیز برای متقاضی مقرر نموده که اعمال محدودیت ها نیز در راستای پاسداری از حفظ بنا و مطلوبیت های اصلی بنای تاریخی فهرست شده است.

۲. درخواست رسیدگی مجدد نسبت به رد صدور رضایت نامه ساختمان فهرست شده در خصوص تخریب باقی مانده های خانه تاریخی (Inspector Appointed by the Secretary of State for Communities and Local Government, 2012). در خصوص درخواست رسیدگی مجدد یورکشایر واتر (Yorkshire Water) علیه تصمیم شورای متروپولیتن کالدربیل بر اساس بخش ۲۰ قانون برنامه ریزی مصوب ۱۹۹۰ (بناهای فهرست شده و مناطق حفاظت شده) علیه رد درخواست ایشان مبنی بر تخریب باقی مانده یک بنای تاریخی، بازرس ضمن ایجاد محدودیت های فنی برای شروع به تخریب، با رسیدگی مجدد موافقت و رضایت نامه ساختمان فهرست شده را به وی اعطا نمود.

استدلال بازرس در موافقت با اعطای رضایت نامه ساختمان فهرست شده و ابطال تصمیم مقام محلی پیرامون چند محور استوار بوده که قابل توجه است. بازرس چنین استدلال کرده که بنای مورد تقاضای تخریب که در زمان ثبت آن در سال ۱۹۸۴ سالم بوده است، اکنون دیگر چنین نیست. این ساختمان بدون سقف است، گرچه بیشتر شیروانی های شمالی همچنان ایستاده اند، اما با وجود این، قسمت فوقانی به طور قابل توجه و خطرناکی به سمت داخل متمایل شده است.

همچنین استدلال این مرجع بر پایه سیاست برنامه ریزی ملی بوده که اعلام داشته است: مجوزدهی نباید موجب ورود ضرر کلی بر ارزش بناهای فهرست شده شود، مگر اینکه دستیابی به منافع عمومی قابل توجیه باشد و یا چهار معیار اصلی مربوط به استفاده از آن برآورده نشود. این چهار معیار به این شرح است: نخست اینکه ادامه استفاده از بنا و حفظ آن برای کاربری موجود یا قبلی آن امکان پذیر نباشد. دوم، به غیر از پیشنهاد یکپارچه سازی ایمن به عنوان یک خرابه، هیچ استفاده مفید و منطقی دیگری برای ساختمان متصور نباشد. سوم، هیچ ساختمان یا منطقه حفاظت شده دیگری تحت تأثیر این خرابی قرار نگرفته باشد. چهارم، منفعت عمومی حذف یک ساختار خطرناک (بنای مورد نزاع) در مجاورت مسیرهای عمومی را ایجاب نماید. استدلال مورد توجه دیگر بازرس آنست که علاقه عمومی به حفظ این اثر را نیز مورد ارزیابی قرار

داده و این‌طور نتیجه گرفته است که به‌نظر می‌رسد شخصی که در حال عبور از مجاورت آن بنا است تمایلی به حفظ این آثار ندارد، زیرا شدت خرابی این اثر بسیار است. این بنا نه تنها ساختمانی با علاقه خاص معماری و تاریخی نیست، بلکه یک ساختمان دارای ویژگی‌های سنتی مشترک هم نمی‌تواند باشد. دیگر اینکه برای شخص رهگذر بلافاصله مشخص نیست که قدمت این بنا از چه قرنی است، چه رسد به اینکه از میانه قرن هفدهم میلادی قدمت داشته است. همچنین شواهد مربوط به علاقه خاص معماری و تاریخی که به فهرست شدن این بنا انجامیده نیز اکنون بسیار ناچیز است. نتیجه این است که هیچ دلیل موجهی برای جلوگیری از صدور رضایت‌نامه بنای فهرست‌شده در خصوص متقاضی تخریب ساختمان وجود ندارد؛ البته به شرطی که قبل از شروع تخریب با ضبط مناسب از بقایای معماری و باستان‌شناسی، تلفات ساختمان کاهش یابد.^۱

در نهایت، استدلال بازرس در تجویز تخریب و اعطای مجوز لازم به مالک بنای تاریخی موصوف بر پایه ارزیابی منافع نشان از جایگاه اصول حفاظت در رویه‌های اداری حقوق میراث فرهنگی این کشور دارد.

در نظام حقوقی ایران در صورتی که مالکان خصوصی بناهای تاریخی فهرست‌شده نتوانند از مراجع صالح یعنی وزارت میراث فرهنگی و ادارات تابعه مجوزهای مربوط به حوزه تغییر در بنا را دریافت نمایند، تنها مسیر شناسایی شده از سوی قانون‌گذار جهت رسیدگی به اعتراض آنان، مسیر نظارت قضایی از طریق دیوان عدالت اداری است. معترضان می‌توانند طبق مفاد ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری از تصمیمات نهادهای حوزه صدور مجوزها که همگی در قالب نظام متمرکز اداری قرار دارند به شعب دیوان عدالت اداری شکایت کنند. برخلاف نظام آیین رسیدگی مجدد در انگلیس، نظام نظارت قضایی ایران فاقد جهات موضوعی اختصاصی و همچنین مهلت زمانی خاص برای اعتراض مالکان به تصمیمات حوزه مجوزدهی مطابق الگوی انگلیسی است.

در این خصوص برای درک بهتر مسیر رسیدگی به اعتراض مالکان بناهای تاریخی نسبت به تصمیمات اداری حوزه مجوزدهی از سوی دیوان عدالت اداری ایران، در اینجا دو پرونده منتخب شرح داده خواهد شد:

۱. در یکی از پرونده‌های مطروحه در شعبه دهم دیوان عدالت اداری ایران به خواسته ابطال نامه‌های مورد اعتراض در خصوص پلاک‌های ثبتی به طرفیت وزارت میراث فرهنگی، شاکی با توجه به قدیمی بودن بنای تحت تصرفش، تخریب و نوسازی آن را از شهرداری درخواست نموده که در این راستا وزارت میراث فرهنگی با صدور نامه‌ای مبنی بر اعلام تاریخی بودن ملک و ثبت آن در فهرست آثار ملی به شهرداری محل وقوع ملک، شهرداری را از صدور پروانه ساخت و تخریب و نوسازی ممنوع کرده، و شاکی نیز از اقدام وزارت میراث فرهنگی در خصوص نامه‌های

1. <https://historicengland.org.uk/content/docs/legal/appeal-decision-nook-end-sowerby-bridge-pdf/>

صادر به شهرداری مبنی بر عدم اعطای مجوز به دیوان شکایت نموده است. در این راستا، شعبه دیوان با این استدلال که وزارت میراث فرهنگی به دلیل ویژگی تاریخی و معماری بنای احدائی، صرف نظر از قدمت آن، شهرداری را ممنوع از اعطای مجوز مورد نظر شاکی نموده و تبعیت شهرداری از نظر وزارت میراث فرهنگی طبق ماده ۱۰۲ قانون شهرداری‌ها الزامی می‌باشد، خواسته مالک را موجه ندانسته، ضمن بیان این موضوع که مفاد نامه مورد اعتراض موجب زوال حق مالکیت مالک نیست، بلکه اعمال تصرفات حقوق مالکانه را محدود می‌کند، افزون بر بازشناسی این قاعده در حوزه حقوق میراث فرهنگی، شکایت شاکی را رد نموده است (شعبه دهم دیوان عدالت اداری ایران، ۱۳۹۹، شماره دادنامه: ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۲۸۰۵۳۵۲).

۲. همچنین در پرونده‌ای دیگر که در شعبه دوم دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی واقع شده است، شاکی مالک ملکی بوده که آن ملک وفق دستورالعمل ابلاغی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در زمره آثار واجد ارزش فرهنگی و تاریخی قرار گرفته و از آنجا که ملک موصوف واقع در استان کردستان بوده، شاکی اداره میراث فرهنگی کردستان را به صدور مجوز تخریب یا ابتیاع و یا معاوضه با ملکی دیگر الزام نموده است. قاضی رسیدگی کننده علی‌رغم تصریح به برخورداری مالکان بناهای تاریخی از کلیه حقوق مالکیت و مجاز بودن تصرفاتی نظیر فروش ملک، مرمت و یا احیای آن^۱، خواسته شاکی را موجه ندانسته، زیرا اعطای مجوز تخریب بنای واجد ارزش تاریخی - فرهنگی منوط به تشخیص وزارت میراث فرهنگی است. همچنین دیوان عدالت اداری نمی‌تواند اداره را به خرید ملک تاریخی یا معاوضه آن با ملک دیگری ملزم نماید، بلکه وزارت میراث فرهنگی به همراه وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن و شهرداری مکلف به صیانت از ملک دارای ارزش تاریخی - فرهنگی و ارتقای کیفیت ساکنان آن است (شعبه دوم دیوان عدالت اداری ایران، ۱۳۹۹، شماره دادنامه: ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۴۰۰۱۲).

مقایسه پرونده‌های پیش گفته در کشور انگلیس و ایران که هر دو در راستای اعتراض به تصمیمات مراجع مجوزدهی در حوزه دگرگونی در بناهای تاریخی از سوی مالکان خصوصی بناهای تاریخی مطرح شد، نشان می‌دهد که رسیدگی بازرسان حوزه مجوزها در انگلیس، مستند به اسناد راهنما و اصول حفاظت و سند سیاست‌گذاری ملی است.

رسیدگی تخصصی و مستدل مراجع صالح به رسیدگی مجدد و در نهایت، اهمیتی که نظام حفاظت انگلیس به ارزیابی منافع و اصل تناسب هنگام تعارض میان حفظ میراث فرهنگی و حقوق مالکانه می‌دهد از نکات برجسته این نظام است؛ در حالی که ارزیابی منافع و اصل تناسب مورد استناد قضات دیوان عدالت اداری ایران قرار نگرفته است. مقامات رسیدگی کننده مجدد در نظام انگلیسی، نه تنها رسیدگی قانونی کرده، بلکه با نگاهی فنی و کارشناسانه تمامی جوانب

۱. مواد ۲ و ۳ قانون حمایت از مرمت و بافت‌های تاریخی - فرهنگی مصوب ۱۳۹۸

درخواست مالک مبنی بر تغییر را مورد ملاحظه قرار می‌دهند؛ حال آنکه مقامات رسیدگی‌کننده مجدد در ایران بیشتر قانونی بودن تصمیم را مورد رسیدگی قرار می‌دهند. در مجموع نحوه رسیدگی به اعتراض مالکان از تصمیمات نظام مجوزدهی مطابق الگوی انگلیسی، کارآمدتر و معقول‌تر به نظر می‌رسد.

نتیجه

می‌توان گفت منافع مالکیت خصوصی به‌عنوان یک حق فردی با حفاظت از میراث فرهنگی به‌عنوان حقی جمعی گاهی در تنش و تعارض است. تنش در اصطلاح «میراث» قابل لمس است. در واقع، این اصطلاح مبهم بسته به اینکه از زاویه حقوق خصوصی یا عمومی نگاه شود، بین فردگرایی و جمع‌گرایی در نوسان است. به نظر می‌رسد در عصر حاضر برداشتی جمع‌گرایانه از میراث فرهنگی در حقوق عمومی در حال ظهور است که بر ایده حفاظت از میراث فرهنگی برای انتقال گنجینه‌های گذشته به نسل‌های آینده تمرکز دارد. از سویی، حق مالکیت نیز یک حق اساسی و مورد احترام است. با وجود این، حق مالکیت نسبت به سایر حقوق اساسی «کمتر مشهود» است، زیرا می‌تواند به نام منافع عمومی یا در برابر حقوق اجتماعی و فرهنگی با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده، گاهی حتی سلب شود. در واقع، می‌توان گفت حق مالکیت بیش از هر حق دیگری تحت «الزامات منافع عمومی» قرار می‌گیرد. در این راستا یکی از جنبه‌های مهم حفاظت از بناهای تاریخی به‌عنوان حقی عمومی، کنترل تغییراتی است که مالکان خصوصی بناهای تاریخی در صدد اعمال آن در بنای تحت تصرفشان هستند. این کنترل از طریق نظام مجوزدهی از سوی مقامات صالح صورت می‌گیرد. با عنایت به بررسی تطبیقی صورت‌گرفته میان نظام حقوقی انگلیس و ایران در خصوص نظام مجوزدهی، باید اذعان داشت که فرایند مجوزدهی در انگلیس بسیار تخصصی و ضابطه‌مند است. در کشور نامبرده مقامات برنامه‌ریز محلی از یک سو باید در حوزه مجوزدهی تابع اصول حفاظت باشند و از سویی دیگر، تصمیم خود را ظرف مدت قانونی اخذ نمایند. نقض این موارد از جهات کنترل اداری تصمیمات مقامات محلی از جانب مقامات دولت مرکزی است. این فرایند با اعتراض مالک بنای تاریخی و از طریق به‌چالش کشیدن تصمیم مقام محلی در بازه زمانی قانونی صورت می‌پذیرد؛ شکایتی که از طریق آیین رسیدگی مجدد از سوی بازرس (منصوب وزیر مشاور جوامع و دولت محلی) و در پرونده‌های مهمی که ارزش بنا ملی باشد از طرف وزیر مشاور جوامع و دولت محلی مورد بازنگری اداری قرار می‌گیرد. این درحالی است که در ایران مالکان بناهای یادشده در صورتی که مایل به تغییر در بناهای تحت تصرفشان باشند باید مجوز لازم را از وزارت میراث فرهنگی اخذ نمایند. برخلاف انگلیس، در ایران مقرره‌ای که وزارت

میراث فرهنگی را مکلف نماید که تصمیم خود را ظرف مهلت مشخص به مالک اعلام کند، وجود ندارد و این خلأ قانونی و گاه عدم تسریع در تصمیم‌گیری از سوی مقام اداری، اقدامات خودسرانه و غیرقانونی مالکان بناهای تاریخی مبنی بر تغییر در بنا اعم از مرمت و تخریب را به دنبال دارد. در هر حال، مالک معترض به حوزه مجوزدهی می‌تواند از نهادهای مربوط به دیوان عدالت اداری که یک نهاد قضایی است اعتراض نماید. در این خصوص نیز جهت اعتراض آن‌چنان که در نظام انگلیسی حفاظت بیان شد، مهلت خاصی وجود ندارد.

از برجستگی‌های آیین رسیدگی مجدد طبق الگوی انگلیسی، استدلال مقامات رسیدگی‌کننده است. استدلالی که تکیه اصلی آن بر اصل تناسب و اصل ارزیابی منافع عمومی استوار است. به عبارتی، مقامات یادشده در أخذ تصمیم مجدد از یک سو، به حفظ هرچه بیشتر بنا توجه دارند و از سویی دیگر به ارزیابی منافع عمومی هنگام تعارض با یکدیگر توجه می‌کنند. حاصل این رویه، اصل عقلایی بودن تصمیمات به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حفاظت است که میان حفظ بنای تاریخی و حفظ حقوق مالکانه تعادل ایجاد می‌نماید. در ایران رسیدگی قضات دیوان عدالت اداری به دلیل عام بودن صلاحیتشان در دعاوی اداری، غیرتخصصی است. همچنین می‌توان گفت به دلیل فقدان اسناد و اصول حفاظت در نظام مقررگذاشته‌شده ایران، اصل ارزیابی منافع عمومی با یکدیگر در حوزه دگرگونی و تغییر در بناهای تاریخی که می‌تواند به أخذ تصمیمات مبتنی بر اصل تناسب بینجامد، در آرای قضات دیوان عدالت اداری ایران مورد شناسایی قرار نگرفته است.

وجه تمایز یادشده، رویکرد انگلیسی در حفاظت از بناهای تاریخی را در مقایسه با نظام حفاظت ایران قابل دفاع‌تر و کارآمدتر جلوه می‌دهد. بنابراین، پیش‌بینی و شناسایی آیین رسیدگی مجدد از سوی وزارت میراث فرهنگی ایران از مسیری ضابطه‌مند و تخصصی، آن‌چنان که در نظام انگلیسی حفاظت از بناهای تاریخی انگلیس بیان شد، به حفظ هرچه بیشتر بناهای تاریخی دارای مالک خصوصی می‌انجامد و همچنین حقوق مالکانه صاحبان بناهای تاریخی را نیز بهتر تضمین می‌کند. تجزیه و تحلیل متون هنجاری و دادرسی انگلیسی نظام مجوزدهی تغییرات در بناهای تاریخی که با ارزیابی منافع سعی در ایجاد تعادل میان حفظ منفعت عمومی ناشی از حمایت از میراث فرهنگی و احترام به منفعت خصوصی مالکان بناهای تاریخی-فرهنگی دارد، این امکان را به ما می‌دهد که فرضیه‌ای برای تقویت حمایت، نه تنها از میراث فرهنگی، بلکه از مالکیت خصوصی نیز داشته باشیم. این برداشت از حمایت نه فقط به درگیری بین دو منفعت منجر نمی‌شود، امکان ایجاد یک حرکت دیالکتیکی را فراهم می‌سازد که همیشه در جستجوی تعادل است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. توحیدی، فائق (۱۳۸۱)، آشنایی با میراث فرهنگی، تهران: مدیریت آموزش.
۲. صمدی، یونس (۱۳۸۲)، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۳. هداوند، مهدی (۱۳۹۶)، حقوق اداری تطبیقی، ج ۱: تهران: انتشارات سمت.

- مقالات

۴. چراغچی، سوسن (۱۳۷۷)، «استانداردها، اصول و منشورهای بین‌المللی حفاظت، قوانین و فنون حمایت و حفاظت از آثار باستانی»، نشریه اثر، ش ۳۱ و ۳۲.
۵. عباسی، بیژن (۱۳۹۹)، «حقوق و تکالیف مالکان خصوصی آثار ثبت‌شده در فهرست آثار ملی»، پژوهش‌های نوین اداری، ش ۴.
۶. محمودی، محمود؛ بیدرام، رسول؛ اصفهانی، هاجر (۱۳۹۳)، «ارزیابی اثربخشی مشوق‌های محرک حفاظت از خانه‌های باارزش تاریخی»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ش ۶.

- قوانین و مقررات

۷. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷/۲/۱ مجلس شورای اسلامی.
۸. قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲.
۹. قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های فرهنگی و تاریخی مصوب ۱۳۹۸/۴/۲.
۱۰. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹.
۱۱. نظام‌نامه اجرایی قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۱.
۱۲. آیین‌نامه راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۲۱.
۱۳. دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مصوب رئیس قوه قضائیه، اسفند ۱۳۹۸.
۱۴. قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.
۱۵. سند واحد حفاظت از بافت‌های تاریخی- فرهنگی و رویکردهای کلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۰.

- آرای قضایی

۱۶. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۲۸۰۵۳۵۲ به تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۹ صادره از شعبه دهم دیوان عدالت اداری ایران.

۱۷. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۴۰۰۱۲۷۸ به تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۴ صادره از شعبه دوم دیوان عدالت اداری ایران.

ب) انگلیسی

- **Book**

18. Blake, J. (2015), *International cultural heritage law*. Oxford University Press, Oxford.

- **Articles**

19. Doe, N. (2014), "Law and Religious Cultural Heritage in Europe": Springer International Publishing Switzerland.

20. Fei Chen, Carol Ludwig & Oliver Sykes (2020), "Heritage Conservation through Planning: A Comparison of Policies and Principles in England and China", *Planning Practice Research*.

21. Frank G, Matero (1993), "The Conservation of Immovable Cultural Property: Ethical and Practical Dilemmas", *Journal of the American Institute for Conservation*, 134.

22. Jurenienė, V., & Radzevičius, M. (2014). "Models of Cultural Heritage".

23. Salvaguardia Dei Beni Culturali Nel Diritto Hodder, I. (2010), "Cultural heritage rights: From Ownership and Descent to Justice and Well-being", *Anthropological Quarterly*, 83(4).

24. Spiridon, P., & Sandu, I. (2009), "Conservation of Cultural Heritage: From Participation to Collaboration". *ENCATC Journal of Cultural Management and Policy*, 5(1).

25. Ziegler, Katja (2007), "Cultural Heritage and Human Rights", in Giuffrè Milano (ed.), *Alberico Gentili: La*.

- **Acts and Regulations**

26. Ancient Monuments and Archaeological Areas Act of 1979.

27. The Protection of Wrecks Act 1973.

28. Historic England, *Conservation Principles, Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment*, England Heritage.

29. Arrangements for handling heritage applications Direction 2015 National Social Amenity.

30. Town and Country Planning (Development Management Procedure) (England) Order 2015.

31. Managing Cultural World Heritage, United Nations Educational, Scientific and

Cultural Organization, Paris, 2013.

32. Planning (Listed Buildings and Conservation Areas) Act 1990.

33. Town and Country Planning Act 1990.

34. The Parliamentary Under-Secretary for Communities and Local Government (Nick Boles), House of Commons, 26th October 2012.

- **Internet**

35. <https://historicengland.org.uk/listing/the-list/about-the-list>.

36. <https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/>

37. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1990/9/section/1>

38. <https://historicengland.org.uk/listing/the-list/about-the-list>.

39. https://unece.org/DAM/env/pp/compliance/C201161/Communication/Planning_ListedBuildings_ConservationAreas_Regs1990.pdf

40. https://historicengland.org.uk/advice/hpg/hprdefinitions/#cat_L_word_Definition:%20Listed%20Building%20Consent:%20LBC

41. <https://historicengland.org.uk/content/docs/legal/appeal-decision-the-hayloft-haldon-road-pdf/>

42. <https://historicengland.org.uk/content/docs/legal/appeal-decision-nook-end-sowerby-bridge-pdf/>